

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

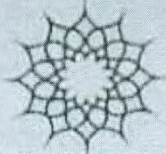
تبیین مولفه‌های قدرت با رویکرد فوکو در تاریخ جهانگشای جوینی

استاد راهنما:
دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:
دکتر مریم عاملی رضایی

پژوهشگر:
الهه اسدپور دشت بیاض

شهریور ماه ۱۳۹۸



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیات داوران در جلسه مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۹۸

پایان نامه تحصیلی خاتم الهه اسدپور دشت بیاض دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان :

تبیین مولفه‌های قدرت با رویکرد فوکو در تاریخ جهانگشای جویبی

را بررسی کردند و پایاننامه با درجه با نمره به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایاننامه، سرکار خانم دکتر فرانک جهانگرد امضا

۲. استاد مشاور پایان نامه، سرکار خانم دکتر مریم عاملی رضایی

۳. استاد داور پایان نامه، سرکار خانم دکتر خلیل الهی

۴. رئیس پژوهشکده، جناب آقای دکتر یوسف محمد نژاد عالی زمینی

۵. مدیر تحصیلات تکمیلی، جناب آقای دکتر

امضا
امضا
امضا
امضا

سپاسگزاری

با نهایت احترام کمال سپاسگزاری خود را به استاد محترم و ارجمندم سرکار خانم دکتر فرانک جهانگرد تقدیم می‌دارم که با تدریس فوق‌العاده‌ی این درس من را به متن تاریخ جهانگشای جوینی علاقمند کرد و سپس با راهنمایی ارزشمند خود تا پایان کار این پایان‌نامه گام به گام همراه من بودند.

در ادامه کمال تشکر خود را نسبت به سرکار خانم دکتر مریم عالی رضایی اعلام می‌دارم که با وجود مشغله‌ی بسیار مشاوری پایان‌نامه را پذیرفتند و به من در راستای هر چه بهتر شدن پایان‌نامه کمک‌های شایان توجهی نمودند. و در نهایت با سپاسگزاری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و به ویژه اعضای محترم دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی که امکان تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد را فراهم کردند و با ایجاد کلاس‌های آموزشی مفید و فراهم ساختن امکان تحقیق و پژوهش کمک کردند تا چراغ علم و دانش، همچنان در اوج بدرخشد.

تقدیم

به پدرم که دستانش سقفی است برای تمام زندگی ام

و به مادرم که چشمانش تمام زندگیست...

چکیده

مطالعات در باب تاریخ جهانگشای جوینی به نتایج متفاوت و گاه متضادی رسیده است. در پاره‌ای از این پژوهش‌ها از مغول ستیزی جوینی یاد شده است و در برخی دیگر از این پژوهش‌ها جوینی فردی دوستدار مغولان معرفی شده است. سوال اینجاست که چگونه یک متن واحد می‌تواند چنین نتایج مغایری در برگیرد. چنین به نظر می‌رسد که به کارگیری نظریه‌ی قدرت فوکو می‌تواند بهترین روش برای پاسخ به این پرسش باشد. نظر فوکو در باب قدرت بیان می‌دارد که قدرت به شکلی مویرگی در تمام اجزای یک جامعه پراکنده است. علاوه بر این، فوکو در نظریه‌ی قدرت خود بر این موضوع تاکید دارد که قدرت در دست طبقه‌ی خاصی نیست بلکه در یک جامعه تقسیم شده است.

بررسی تاریخ جهانگشا با استفاده از نظریه‌ی قدرت فوکو نشان می‌دهد که در این متن به شکل‌های مختلفی به حکومت مغولان مشروعیت داده شده است. کاربرد تعابیری که دال بر خردمندی، عدالت و خدمت به اسلام است و همچنین لزوم تفکر طبقاتی از موارد مشروعیت بخشی به حاکمان مغول در تاریخ جهانگشای جوینی است؛ که در تمام این کتاب قابل ملاحظه است. در نتیجه قدرت به شکل مویرگی در تمام اجزای جامعه جاری است که در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی به وسیله‌ی مشروعیت بخشی به مغولان نمود پیدا کرده است. در نهایت نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی چگونه می‌تواند در خدمت مشروعیت بخشی به قدرت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تاریخ جهانگشا، جوینی، فوکو، مشروعیت بخشی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیش‌گفتار..... ۱

فصل اول: طرح تحقیق ۳

۱-۱- تعریف مسئله و تبیین موضوع..... ۴

۱-۲- قلمرو پژوهش..... ۶

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۶

۱-۴- اهداف پژوهش..... ۷

۱-۵- نوع پژوهش..... ۷

۱-۶- سوالات پژوهش..... ۷

۱-۷- فرضیه‌های پژوهش..... ۷

۱-۸- روش جمع‌آوری اطلاعات..... ۷

۱-۹- روش پژوهش..... ۷

۱-۱۰- پیشینه‌ی پژوهش..... ۸

فصل دوم: تعاریف و کلیات ۱۲

۲-۱- عظاملک جوینی..... ۱۴

۲-۲- تاریخ جهانگشا..... ۱۶

۲-۳- نظریه قدرت میشل فوکو..... ۱۸

۲-۳-۱- دیرینه‌شناسی..... ۲۱

۲-۳-۲- تبارشناسی..... ۲۲

۲-۴- مشروعیت بخشی..... ۲۴

۲-۵- اندیشه ایرانشهری..... ۲۶

فصل سوم: مشروعیت بخشی به حکومت مغولان در تاریخ جهانگشا..... ۲۹

۳-۱- مشروعیت کاریزماتیک..... ۳۰

۳-۲- اهمیت عقل و دین در مشروعیت بخشی به حکومت..... ۳۳

۳-۳- کاربرد تعبیرهای دال بر خردمندی حاکمان مغول..... ۳۴

۳-۴- کاربرد تعبیرهای دال بر خدمت به اسلام حاکمان مغول..... ۴۰

۳-۴-۱- نقش تقدیرگرایی در مشروعیت بخشی به مغولان..... ۴۱

۳-۴-۳- گسترش اسلام و مشروعیت بخشی دینی به حاکمان مغول..... ۵۰

- ۴-۴-۳- احترام به مسلمانان و مشروعیت بخشی دینی به حاکمان مغول..... ۵۳
- ۵-۴-۳- شهید خواندن کسانی که به دست مغولان کشته شدند..... ۵۷
- ۵-۳-۳- کاربرد تعبیرهای دال بر دادگری حاکمان مغول..... ۶۰
- ۱-۵-۳- عدل و دادگری در میان مغولان..... ۶۲
- ۲-۵-۳- عدل و دادگری در میان ایرانیان..... ۶۷
- ۶-۳- لزوم تفکر طبقاتی در خدمت مشروعیت بخشی به حکومت..... ۷۱
- ۱-۶-۳- کاربرد تفکر طبقاتی در میان ایرانیان..... ۷۷
- ۲-۶-۳- کاربرد تفکر طبقاتی به مغولان و مشروعیت بخشی به آنها..... ۸۰

فصل چهارم: نتیجه گیری ۸۹

- منابع و مأخذ..... ۹۳

پیش‌گفتار

این پژوهش با هدف دریافتی دقیق‌تر از متن تاریخ جهانگشای جوینی و رسیدن به زیر لایه‌های نهفته در آن آغاز شد و در ادامه سعی شد تا به پرسش‌های پیش آمده‌ای که در باب کتاب تاریخ جهانگشا و حمایت کردن یا نکردن آن از مغولان پاسخ داده شود. پیدا کردن روشی که بتواند پاسخگوی این سوال باشد چندان آسان نبود. پژوهش‌های زیادی در این رابطه انجام شده بودند. برخی از پژوهش‌های انجام شده تاریخ جهانگشا را در حمایت از ایرانیان معرفی کرده بودند و اکثر قریب به اتفاق آن‌ها جوینی را هواخواه مغولان می‌دانستند و تاریخ جهانگشا را کتابی به منظور حمایت از مغول به شمار می‌آوردند. با توجه به وجود نظریاتی تا این حد مغایر از یک متن واحد، سوالی در ذهن نگارنده شکل داد که چگونه ممکن است چنین برداشت‌هایی از یک متن به وجود بیاید و برای پاسخ به این پرسش نظریه‌ی فوکو در باب تحلیل گفتمان و قدرت به کار گرفته شد.

در فصل دوم اطلاعات لازم در باب نویسنده‌ی تاریخ جهانگشا و کتابش، به رشته‌ی تحریر در آمد و مختصری در مورد فوکو و آرا او نگاشته شد. چیزی که تا این لحظه به دست آمد این بود که دست‌یابی به معنایی جدید از تاریخ جهانگشا و هر متن دیگری نیازمند دیدی وسیع به کل متن است. در صورتی که به متن از لحاظ ادبی نگاه شود؛ این دید در سطح باقی خواهد ماند و دیگر راهی برای نفوذ به لایه‌های زیرین متن وجود نخواهد داشت. بنابراین طبق نظر میشل فوکو می‌بایست به متون در بافتی فراتر از آنچه که متن می‌گوید نگاه شود. لذا مطابق با سخن میشل فوکو هر گفتمان آشکاری مخفیانه بر پیشاپیش گفته شده متکی است. این پیشاپیش گفته شده صرفاً عبارت پیشاپیش بیان شده یک متن پیشاپیش نوشته شده نیست بلکه یک هرگز گفته نشده است. بنابراین چیزی که به دست می‌آید این است که برای بررسی متن لازم است که آن را درون بافت گفتمانی فضای زمان خود ببینیم. فوکو از این گفتمان با عنوان اپیستمه یاد می‌کند.

با بررسی بافت فضای مقارن با نگارش تاریخ جهانگشا و رژیم حقیقت خاصی که فوکو از آن یاد می‌کند دریافتیم که گزاره‌ها و تعبیری در تاریخ جهانگشا به کار رفته‌اند که دارای وجوهات مشترک با اندیشه‌ی ایرانشهری نیز هستند. این تعبیر و گزاره‌ها در سه دسته‌ی اصلی قرار می‌گیرند که عبارتند از توجه به خرد و خردورزی، رعایت ضرورت عدالت و دادگری و لزوم تفکر طبقاتی. علاوه بر آن مردم ایران با ورود اسلام به این کشور، دین اسلام را نیز با جان و دل پذیرفتند و بدین ترتیب مذهب نیز در میان آن‌ها از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بدین ترتیب در ادامه‌ی فصل دوم به ذکر نکاتی در باب تفکر ایرانشهری و چگونگی آن پرداختیم. سپس زمان این بود که نشان دهیم آیا اندیشه‌ی ایرانشهری در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی نیز وارد شده است یا نه و این چنین می‌توانستیم طبق نظر فوکو بافت گفتمانی تاریخ جهانگشا را به میزانی درک کنیم.

در ادامه و در فصل سوم با ذکر نمونه‌هایی از تاریخ جهانگشای جوینی نشان دادیم که تعبیر و گزاره‌هایی که در این کتاب به کار رفته است و وجوه مشترکی نیز با اندیشه‌ی ایرانشهری دارد چگونه در جهت مشروعیت بخشی به مغولان به کارگیری شده است و تاریخ جهانگشای جوینی چگونه در مشروعیت بخشی به نهاد قدرت مغول به ایفای نقش پرداخته است.

در فصل چهارم نیز که فصل جمع بندی و نتیجه گیری است فرآیند چگونگی پژوهش تا حصول به نتیجه ذکر شد. در فصل نتیجه گیری تاکید بر این موضوع است که دانش و رژیم حقیقت همچنان که به گفته‌ی فوکو امری نسبی است و در هر دوره‌ای با دیگر دوره‌ها متفاوت است؛ چگونه بر ایدئولوژی موجود در کتاب تاثیر نهاده و این ایدئولوژی چگونه در جهت خدمت به نهاد قدرت قرار گرفته است.

امید که این پژوهش بتواند اولین گام برای رسیدن به معنایی جدید از تاریخ جهانگشای جوینی باشد. تاریخی که اولین و شاید تنهاترین منبع رسمی ما در مورد وقایع حضور مغول در ایران است و بی‌شک از اهمیت بسیار بالایی در این زمینه برخوردار خواهد بود.

فصل اول

طرح تحقیق

در این فصل کلیات پایان نامه مطرح می‌شود و به بیان مسائلی از قبیل موضوع و مسئله‌ی تحقیق، هدف و ضرورت انجام آن می‌پردازیم.

۱-۱- تعریف مسئله و تبیین موضوع

از منظر برخی از پژوهشگرانی که بر روی تاریخ جهانگشای جوینی پژوهش کرده‌اند؛ تاریخ جهانگشا کتابی است که برای انتقاد از حکومت مغولان به رشته‌ی تحریر در آمده است. آن‌ها با استناد به برخی از بخش‌های کتاب تاریخ جهانگشا را کتابی می‌دانند که منقد حکومت مغولان است. برای مثال احمد خاتمی و آرزو عرب اف در مقاله‌ای تحت عنوان مغول ستیزی عطا ملک جوینی در تاریخ جهانگشا به بیان مستنداتی در باب انتقاد تاریخ جهانگشا از حکومت مغول می‌پردازند. در بخشی از تاریخ جهانگشا در انتقاد به مغولان آمده است «چون مغولان را علمی و معرفتی نبوده است از قدیم باز تتبع سخن قلمان می‌کرده‌اند و اکنون پادشاه‌زادگان را بر کلام و دعوی ایشان اعتماد است و در وقت ابتدای کاری و مصلحتی تا با منجمان موافقت ایشان نیفتد امضای هیچ کار نکنند.» (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۳۲) و این بیان را نشانه‌ی عدم رضایت جوینی از حضور مغولان در ایران می‌دانند. در بخش دیگری ذیل فتح مرو چنین آمده است «فرمود تا باره را خراب کردند و حصار را مساوی تراب و مقصوره مسجد را، که به رسم اصحاب امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه است؛ آتش در زدند.» (همان: ۲۲۱) چنین شاهد مثال‌هایی از انتقاد کتاب تاریخ جهانگشا از حضور حکومت مغول در ایران خبر می‌دهد. لازم به ذکر است که تعداد دیگری از پژوهشگران این حوزه تاریخ جهانگشای جوینی را کتابی در حمایت از مغولان می‌پندارند. اغلب آن‌ها برای اثبات این ادعا به ذکر واقعه خروج تارابی اشاره می‌کنند و بدین امر می‌پردازند که با توجه به این که تاریخ جهانگشای جوینی از تارابی که نماینده‌ی ایرانیان به شمار می‌رود انتقاد کرده است می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ جهانگشای جوینی کتابی است که در راستای حمایت از مغولان نگاشته شده است. برای مثال یعقوب آژند در مقاله‌ای با عنوان «قیام تارابی» یکسره جوینی را هواخواه مغولان معرفی می‌کند و اذعان می‌دارد که جوینی فردی وابسته به دستگاه مغولان است: «از آنجا که وی فردی ایرانی و وابسته به دستگاه مغولان بود، لذا در نوشته‌های خود جانب آن‌ها را نگاه داشته و به نفع آن‌ها جهت‌گیری کرده است.» (آژند، ۱۳۶۵: ۱۷) آژند در ادامه‌ی ادعای خود به واقعه‌ی خروج تارابی اشاره

می‌کند. او در مورد جوینی و تارابی بیان می‌دارد که: «وی در بخش مربوط به قیام تارابی طرف هیات حاکمه مغول را گرفته و لذا در جای جای نوشته وی انتقاد شدید از تارابی و اهانت به پیروان او که آن‌ها را به عنوان رنود و اوباش و عوام الناس مشخص کرده دیده می‌شود.» (همان)

بنابراین با وجود مساله انتقاد از مغولان و در کنار آن وجود گزاره‌هایی که دال بر مشروعیت بخشی به مغولان است این مسئله مطرح خواهد شد که چگونه می‌توان دریافت که تاریخ جهانگشا با کدام یک از دو نظریه‌ی متضاد فوق منطبق است. تحلیل گفتمان راهی است برای رسیدن به این پرسش.

تحلیل گفتمان (analysis discourse) که در زبان فارسی به "سخن کاوی" تحلیل کلام" و "تحلیل گفتار" نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون انسان شناسی، قوم نگاری، جامعه شناسی خرد، روان شناسی ادارکی و اجتماعی و... علاقه‌مند به مطالعات نظام مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.

بعضی از زبان شناسان مفهوم تحلیل گفتمان را در معناهای متفاوتی به کار بردند. این افراد معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه‌ی جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه‌ی این روابط است. مطابق این تعریف، در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده‌ی جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه‌ی متن سر و کار نداریم؛ بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و... سر و کار داریم. بنابراین، تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی همچون زمینه متن، واحدهای زبانی، محیط بالفصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل بیرون زبانی از قبیل زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی و موقعیتی بررسی می‌کند.

از نظر فوکو که یکی از پژوهشگران در حوزه‌ی فلسفه است و در زمینه‌ی تحلیل گفتمان به بیان مطالبی پرداخته است؛ حقیقت مانند دانش انتزاعی نیست. فوکو تاکید می‌کند که حقیقت چیزی است درباره‌ی جهان که محدودیت‌های کثیری در تولید آن نقش دارد. وی تاکید دارد که هر جامعه برای خود دارای یک رژیم حقیقت است که افراد معتبر و مقتدر آن را می‌سازند و جامعه در کل آن را می‌پذیرد. بنابراین حقیقت می‌تواند در هر دوره‌ای امری نسبی باشد که با دیگر دوره‌ها متفاوت است.

اندیشه‌ی گسست معرفت شناسانه‌ی فوکو به بررسی همین موضوع می‌پردازد. براساس آن اندیشه، نوعی رخداد است که هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود؛ بلکه در شرایط و زمانه‌ای که اتفاق می‌افتد تبارهای مختلفی دارد. به نظر فوکو مسئله این است که مورخ وقتی تاریخ می‌نویسد، تاریخ را از دیدگاه علایق فعلی می‌نویسد پس تاریخ، تاریخ حال حاضر است.

با توجه به نظریات فوکو در کتاب تاریخ جهانگشا می‌توان گزاره‌های عمده‌ای یافت که بر مشروعیت بخشی به مغولان دلالت دارد. تعبیری که بر خرد ورزی مغولان دلالت دارد در کنار تعبیری که بر عدالت

و دادگستری مغولان دلالت دارد قرار گرفته است. همچنین در این کتاب می‌توان تعبیری دید که در آن لزوم تفکر طبقاتی مورد تاکید قرار گرفته است. لازم به ذکر است که این گزاره‌ها که می‌توانند به عنوان تعبیری در مشروعیت بخشی به مغولان به کار روند از مولفه‌های تفکر ایرانی‌شهری نیز به شمار می‌روند.

در ادامه برای بیان دقیق‌تر مسئله باید توضیحاتی نیز پیرامون تفکر ایرانی‌شهری ارائه شود. اندیشه ایرانی در دوره‌ی پیش از اسلام همانند یک نظام فکری از چنان انسجام و پایداری برخوردار بود که می‌توان از آن با اصطلاح دستگاه فکری ایرانیان نام برد. این دستگاه فکری دارای مبانی، مفاهیم، نظریه‌ها و اصول کارکردی خاصی بوده که در سده‌های متوالی بقا و استمرار اندیشه‌ی ایرانی را فراهم کرده است. در واقع وجود عناصر پایدار در فکر ایرانی، این امکان را در طول تاریخ باستانی و حتی پس از ورود اسلام به ایران فراهم کرده است. (قادری، رستم‌وندی. ۱۳۸۵: ۱۲۴)

اندرزنامه‌های اخلاقی که پیش از اسلام نگاشته می‌شده است سرشار از نکات اخلاقی خاصی بوده که به طور معمول برای پادشاهان نوشته می‌شده تا نحوه‌ی مملکت‌داری را فرا بگیرند. این اندرزنامه‌ها همواره بخشی از تفکر ایرانی‌شهری را درون خود جای داده‌اند. پس از ورود اسلام به ایران نیز سیاست‌نامه‌ها ادامه‌دهنده‌ی راه اندرزنامه‌های اخلاقی پیش از اسلام شدند. سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک را می‌توان مهم‌ترین سیاست‌نامه‌ی نگاشته شده در این زمینه دانست.

در تفکر ایرانی‌شهری پیش و پس از اسلام همواره از سه مفهوم مهم و حیاتی برای حفظ و تداوم قدرت یاد می‌شده که آن سه مفهوم عبارتند از: خردورزی، عدالت و دادگری و وجود تفکر طبقاتی. این مفاهیم از مولفه‌هایی هستند که در تاریخ جهانگشا برای مشروعیت بخشی به حکومت مغولان به کرات از آن‌ها استفاده شده است و همچنان که ذکر شد از مولفه‌های تفکر ایرانی‌شهری نیز به شمار می‌روند.

پایان نامه‌ی پیش رو به این موضوع خواهد پرداخت که چه گزاره‌ها و تعبیری در تاریخ جهانگشای جوینی وجود دارد که بر مشروعیت بخشی به حکومت مغولان دلالت می‌کند.

۲-۱- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: قرن هفتم هجری

ج) قلمرو موضوعی: نثر فارسی قرن هفتم هجری

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

در پاره‌ای از متن‌های ادبی و تاریخی اگرچه نویسندگان از وضعیت موجود انتقاد کرده‌اند؛ اما به گونه‌ای رگه‌هایی از هم‌سویی با قدرت و حکومت در آثارشان دیده می‌شود که بر مشروعیت بخشی به قدرت حاکم نقش اساسی ایفا می‌کند. روشن ساختن رگه‌های مشروعیت بخشی به حکومت‌ها در متن‌های ادبی-تاریخی باعث می‌شود تا نگاه جامع‌تری به مخاطب ارائه شود.

۴-۱- اهداف پژوهش

۱. بررسی گزاره‌ها و تعبیرهایی که در جهت مشروعیت بخشی به حکومت مغولان در تاریخ جهانگشا نگاشته شده است.
۲. تحلیل رابطه‌ی دو جانبه‌ی قدرت در بین طبقه‌ی حاکم و عامه‌ی مردم در تاریخ جهانگشا
۳. تبیین وجوه مشترک مولفه‌های مشروعیت بخشی در تاریخ جهانگشا با تفکر ایرانی‌شهری

۵-۱- نوع پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی است

۶-۱- سوالات پژوهش

۱. نظام دانشی قدرت در تاریخ جهانگشا چگونه بازتولید شده است؟
۲. تاریخ جهانگشا چه کارکردی در مشروعیت بخشی به مغولان داشته است؟

۷-۱- فرضیه‌های پژوهش

۱. نظام دانشی قدرت در تاریخ جهانگشا به صورت مولد و دو سویه است. به این صورت که تنها عامل سیاست دارای قدرت نیست بلکه این قدرت بر افرادی که بر آن‌ها اعمال شده نیز اثر می‌گذارد. تا مقاومت از سوی کسانی که قدرت بر آن‌ها اعمال شده وجود نداشته باشد قدرت شکل نمی‌گیرد و این قدرت دو سویه مولد رفتار خواهد بود.
۲. تاریخ جهانگشای جوینی با استفاده از به کارگیری تعابیر و گزاره‌هایی به مغولان مشروعیت بخشیده است.

۸-۱- روش جمع آوری اطلاعات

بررسی اسناد و مدارک علمی و مطالعه‌ی کتابخانه‌ای

۹-۱- روش پژوهش

- در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان فوکو استفاده می‌شود و به وسیله‌ی آن متن تاریخ جهانگشا تجزیه و تحلیل می‌گردد.

۱-۱۰- پیشینه‌ی پژوهش

در ادامه و پیش از ارائه‌ی مبحث اصلی لازم است به این موضوع بپردازیم که تا پیش از این چه پژوهش‌هایی در این راستا انجام گرفته است:

در بررسی‌های انجام شده در باب پیشینه‌ی موضوع تبیین مولفه‌های قدرت با رویکرد فوکو در تاریخ جهانگشا نتایج زیر حاصل آمد:

چنین به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر موضوعات مرتبط با تحلیل گفتمان قدرت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. چنان که این پژوهشات با موضوعات زیر در این اواخر نوشته شده است. (۱) تاریخ جهانگشا به مثابه گفتمان قدرت چنگیز نوشته‌ی عباسی وگیلکی-مقاله- دانشگاه خوارزمی (۱۳۹۷)

این مقاله که در راستای پژوهش این طرح نامه نوشته شده و مقدمه‌ای بر این پژوهش است به تاریخ جهانگشا از منظر تحلیل گفتمان می‌نگرد اما با پژوهش ما تفاوت‌هایی نیز دارد. ما در این پژوهش سعی داریم با تفصیل بیشتری نسبت به این مقاله سخن بگوییم. حال آن که مقاله‌ی اخیر تنها به ذکر یک مصداق عینی در هر باب پرداخته و همان مورد را به کل سه جلد تاریخ جهانگشا تعمیم داده است. تلاش این پژوهش بر این است که بعدهای دیگری را به ابعادی که این مقاله به آن‌ها اشاره کرده است اضافه کند. نویسندگان مقاله‌ی اخیر تاریخ جهانگشا را در چنگیز محصور کرده‌اند و تنها چنگیز را به عنوان گره گاه تاریخ جهانگشا معرفی کرده‌اند و بر آن تاکید نیز داشته‌اند حال آن که پس از مرگ چنگیز نیز شرایط دگرگون نمی‌شود و تغییر خاصی نمی‌یابد و اوضاع همانند قبل در حال پیش‌روی است. این پژوهش بر آن خواهد بود تا با نگاه تحلیل گفتمان، قدرت را در بین حکومت مغول و نه تنها چنگیز بررسی کند.

(۲) واکاوی ایدئولوژی‌های جهانگشای جوینی نوشته‌ی مهناز طبیعت بلند- پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد- دانشگاه هرمزگان (۱۳۹۴)

طبیعت بلند در پژوهش خود به تبیین ایدئولوژی جوینی در تاریخ جهانگشا پرداخته است. عمده‌ترین تفاوت این پژوهش با کاری که پژوهش معرفی شده به آن می‌پردازد در روش کار است. طبیعت در این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های جوینی با استفاده از نقد مارکسیستی پرداخته است. کاری که در پژوهش ما با استفاده از تحلیل گفتمان و نظریات فوکو انجام خواهد گرفت.

(۳) تحلیل گفتمان قدرت در شاهنامه فردوسی با رویکرد خاص به داستان رستم و سهراب و داستان رستم و اسفندیار نوشته‌ی حنیفا والا (۱۳۸۸)- پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه هنر تهران
والا پس از بیان صورت مسئله و بیان ضرورت‌های تحقیق خویش و توضیح روش کار خود به رده‌بندی مفاهیم قدرت پرداخته است. او در ضمن کار خود به تفصیل به قدرت‌هایی پرداخته است که با مورد مطالعاتی کار او که شاهنامه‌ی فردوسی بوده ارتباطی تنگاتنگی داراست. والا در کار خود که بر مبنای

تحلیل گفتمان انجام شده است داستان رستم و سهراب و رستم و اسفندیار را بررسی می‌کند و با استفاده از تحلیل گفتمان است که بیان می‌کند شخصیت‌های این دو داستان، یعنی رستم و سهراب و اسفندیار به دلیل زیاده خواهی مانند بازیکنانی در این تراژدی‌ها که از قبل طراحی شده باشند نقش بازی می‌کنند و تبدیل به مهره‌های بازی قدرت می‌شوند. وی همچنین بیان می‌کند که فردوسی آزمندی و قدرت را نکوهش می‌کند و تنها نیک بودن و از نژاد اصیل بودن را برای نیک زندگی کردن کافی نمی‌داند. چنان که مشاهده می‌شود دست یافتن به چنین نتایجی از راه علمی تنها از دیدگاه تحلیل گفتمان قابل دستیابی است. از طریق تحلیل گفتمان می‌توان با برداشتن لایه‌های سطحی متن به ژرفای عمیق متن گام نهاد و به عمق مسائل پی برد.

۴) تحلیل گفتمان قدرت در آثار سوفوکل با تاکید بر نظریات میشل فوکو، مطالعه‌ی موردی نمایشنامه‌ی ادیپ شهریار، نوشته‌ی نعیمه عطایی کچویی (۱۳۹۰) - پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد تهران مرکزی - دانشکده هنر و معماری. عطایی کچویی پس از توضیح مباحث تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان قدرت به بیان نظریات فوکو و فرکلاف در حوزه‌ی تحلیل گفتمان قدرت پرداخته، سپس به عنوان نمونه‌ی تحلیل گفتمان قدرت به دو اثر شاهنامه‌ی فردوسی و یکی بود یکی نبود جمalzاده اشاره کرده است. عطایی بیان می‌دارد که زبان استعاری یکی از مهم‌ترین ابزارها برای نویسندگانی چون سوفوکل است که با انتخاب داستان‌های دراماتیک و افسانه‌های نام آشنا از آن بهره‌مند می‌شود. سوفوکل برای تشریح اوضاع زمانه‌ی خود از زبان استعاره در یک داستان دراماتیک بهره می‌گیرد و این وظیفه‌ی تحلیل گفتمان است که آن را بازشناسی و تعبیر کند.

عطایی سپس در بخش نظری کار خود از انواع قدرت یاد کرده است و بر اساس نظریه‌ی میشل فوکو قدرت را به انواع مختلف آن تقسیم کرده است وی سپس با استفاده از چارچوب نظریات تحلیل گفتمان و تطابق آن بر روی ادیپ شهریار به این نتیجه دست می‌یابد که میزان آگاهی ما از یک متن ادبی و نشانه‌شناسی علائم و استعاره‌هایی که نویسنده در یک متن پنهان کرده است قدرت مخاطب را در تسلط بر محیط پیرامون خویش و به طور کلی دنیایی که در آن زندگی می‌کند ارتقا خواهد بخشید و این امر جز با استفاده از تحلیل گفتمان امکان پذیر نخواهد بود.

۵) تحلیل گفتمان قدرت با تمرکز بر سه اثر از بیضایی، نوشته‌ی فاطمه عرفی نژاد (۱۳۸۹) - پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه هنر - دانشکده سینما و تئاتر

عرفی نژاد نیز در کار خود همانند دو اثر پیشین ابتدا به تفصیل به مباحث تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان قدرت پرداخته است و سپس پس از معرفی آثار بیضایی با توجه به مباحث تحلیل گفتمان بر روی سه اثر او به طور ویژه‌ای متمرکز شده است. وی در نهایت به نتیجه‌گیری از بحث مورد نظر پرداخته است. عرفی نژاد نیز در کار خود بیان می‌کند که با خوانشی ساده و سطحی از آثار ادبی نمی‌توان به عمق و ژرفای متن پی برد و این کار وظیفه‌ی تحلیل گفتمان است که لایه‌های سطحی متون را کنار

زده و به عمق متن دست یابد. او با استناد به این امر آثار بیضایی را چنین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. کاری که اگر تحلیل گفتمان نبود موفق به انجام آن نمی‌شد.

۶) کتاب تراژدی قدرت در شاهنامه اثر مصطفی رحیمی / نشر نیلوفر (۱۳۶۹)

این کتاب به دو بخش تقسیم شده است، بخش نخست بخشی است درباره‌ی قدرت بدین شرح: ارایه‌ی تعریف قدرت، بیان ارتباط مشهور و شناخته شده‌ی قدرت و فساد، تشریح رابطه‌ی خرافات و قدرت و تشبیه رابطه‌ی این دو به رابطه‌ی دایه و کودک، آمیختگی شدید خودخواهی با عشق خرافاتی به آرمان در فرد قدرت پرست و دشواری تشخیص مرز این دو، دروغ به عنوان یکی از لوازم اساسی کسب قدرت و... نویسنده در پایان بخش مذکور به تصریح بیان کرده است که قدرت، فره ایزدی است، چنانچه منافی آزادی انتخاب افراد نباشد و شر شیطانی است اگر همه‌ی اختیارات را در دست فرمانروایی مستبد جمع کند.

در بخش دوم چیزی افزون بر آنچه در بخش نخست آمده است وجود ندارد و نویسنده صرفاً با استناد به دو داستان مشهور شاهنامه یعنی «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب» کوشیده است در زمینه‌ی موضوعاتی که پیشتر به طور مبسوط به آنها پرداخته است نمونه‌هایی آشکار ارائه دهد.

۷) مقاله‌ی تحلیل مناسبات قدرت و حقیقت از دیدگاه فوکو در داستان شیر و گاو کليلة و دمنه نوشته‌ی مریم عاملی رضایی:

چارچوب نظری این مقاله همانند پژوهش در حال انجام است با این تفاوت که در این مقاله متن مورد بررسی کليلة و دمنه بوده است و متنی که که در این پژوهش در حال بررسی است تاریخ جهانگشای جوینی است. البته لازم به ذکر است که این پژوهش در قالب پایان نامه به موضوع پرداخته و با بسط بیشتری به موضوع نگاه کرده است. علاوه بر این پژوهش حاضر در زمینه‌ی مشروعیت بخشی نیز به بیان مسائلی پرداخته که مقاله‌ی فوق خالی از آن است.

۸) مقاله‌ی بوف کور؛ متن معطوف به قدرت نوشته‌ی سهراب طاووسی

چارچوب نظری مقاله‌ی طاووسی بر اساس نظریه‌ی زندان سراسربین فوکو نوشته شده است. این مقاله به این مورد اشاره دارد که با وجود این که صادق هدایت در زندگی واقعی خود مخالف سرسخت استبداد بوده است اما در کتاب خود بوف کور استبداد را به شکلی همچون یک زندان سراسر بین به رشته‌ی تحریر در آورده است. این مقاله با توجه به کاربست نظریه‌ی فوکو می‌تواند یکی از پیشینه‌های این پژوهش به شمار رود.

چنان که مشاهده می‌شود این آثار در باب تحلیل گفتمان قدرت نگاشته شده‌اند اما با موضوع پیشنهادی متفاوت هستند و این تفاوت در مطالعه‌ی موردی این آثار است. بدین معنی که هیچ کدام از این آثار به سراغ جهانگشای جوینی نرفته‌اند.

اما اگر مولفه‌ی قدرت را نادیده بگیریم آثار بسیار زیادی در حوزه‌ی تحلیل گفتمان در سال‌های اخیر به چاپ رسیده است، آثاری که به شکل مقاله و کتاب به دست مخاطبین رسیده‌اند. برخی از این آثار به این شرح هستند:

۱. پایان نامه‌ی تحلیل گفتمان تاریخ بیهقی نوشته‌ی جعفر رضا پور (۱۳۹۲) - پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات، دانشگاه مازندران

نویسنده‌ی پایان نامه در آغاز سخن به این موضوع اشاره می‌کند که گفتار تنها چیزی نیست که خواست را بیان می‌کند و یا آن را پنهان می‌سازد، بلکه بیشتر موضوع خواست است. زبان آینه‌ی شفاف نبوده و نیست که روند مبارزه‌ها و سلطه‌گری‌ها را در خود انعکاس داده باشد، بلکه زبان قدرتی است که مبارزه برای آن و از طریق آن، صورت می‌گیرد. اگر زبان را نه بیانگر مبارزه‌ها بلکه موضوع مبارزه‌ها و ابزار مبارزه تلقی کنیم، دیگر به جای آن باید از دال گفتمان استفاده کرد که مفاهیم قدرت و زبان را در یک درهم تنیدگی مداوم و تفکیک ناپذیر مفهومی، قابل فهم می‌سازد.

رضاپور در این اثر سعی کرده است با دیدی فراتر از نگاه ادبی و تاریخی به کتاب تاریخ بیهقی نگاه کند و آن را درک نماید. او از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف برای انجام تحلیل‌های خرد متنی و از نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه برای انجام تحلیل‌های کلان گفتمانی عصر بیهقی، به طور هم زمان و ترکیبی استفاده کرده تا به تحلیلی گفتمانی خرد و کلان رضایت بخش از متن تاریخ بیهقی دست پیدا کند.

با نگاهی مختصر به آثاری که در حوزه‌ی تاریخ جهانگشا انجام گرفته است، می‌توان دریافت که بررسی‌های ادبی و تاریخی بسیاری بر روی این کتاب انجام شده است اما هیچ کدام در باب تحلیل گفتمان قدرت به آن نپرداخته اند.

بنابراین چنان که ذکر شد، موضوع پیشنهادی تحلیل گفتمان قدرت در تاریخ جهانگشای جوینی، موضوعی تازه است که می‌تواند آغازگر راه بسیاری از پژوهش‌های دیگر گردد.

فصل دوم

تعاریف و کلیات

با توجه به عنوان پایان نامه‌ای که در حال حاضر پیش روی شما قرار گرفته است- «تبیین مولفه‌های قدرت با رویکرد فوکو در تاریخ جهانگشا»- در این فصل و پیش از آغاز هر کلامی باید به تعریف مفاهیمی بپردازیم که در فصل بعدی در مورد آن‌ها سخن خواهیم گفت. بنابراین در این بخش ابتدا مختصری در باب تاریخ جهانگشای جوینی به ایراد سخن خواهیم پرداخت و سپس اندکی به نویسنده‌ی تاریخ جهانگشا-عظاملک جوینی- می‌پردازیم. پس از آن به سراغ نظریات فوکو در باب قدرت، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی خواهیم رفت. سپس مطالبی در مورد تعریف مشروعیت بخشی و دسته‌بندی آن ارائه خواهیم داد و در نهایت این فصل را با ذکر مطالبی در مورد تفکر ایرانشهری خاتمه می‌دهیم.

پیش از آغاز کلام ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که نگارنده در رشته‌ی ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است و پایان نامه‌ی مذکور یک پژوهش بین رشته‌ای است. بنابراین بیشتر مطالبی که در این فصل خواهد آمد یا نقل قول مستقیم است و یا مطالبی است که خوانده شده و سپس با قلم نگارنده و از ذهن او به رشته‌ی تحریر درآمده است.

۱-۲- عطاملک جوینی

علاءالدین ابوالمنظر عطاملک بن بهاءالدین محمد جوینی (۶۸۱-۶۲۳) در جوین خراسان متولد شد. او از خاندان بزرگ صاحب دیوان جوینی است. این خانواده، از قدیم در روزگار سلجوقیان و خوارزمشاهیان در دستگاه حکومت بوده و معمولاً وظیفه صاحب‌دیوانی را عهده‌دار بوده‌اند و در زمانی قدیم‌تر، اجدادشان مقام وزارت خلفای عباسی را برعهده داشته‌اند. عطاملک از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغون حکمران خراسان درآمد و دوبار به همراه وی به پایتخت مغولستان، قراقرم سفر کرد. در این سفرها با احوال مغولان آشنایی پیدا کرد و در همین مسافرت‌ها شروع به نوشتن کتابی با موضوع فتوحات مغولان کرد که به تاریخ جهانگشا شهرت دارد. در سال ۶۵۴ هـ ق که هلاکوخان به خراسان آمد عطاملک به وی پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و خلیفه عباسی در بغداد همراه او بود؛ و با جلب رضایت هلاکو توانست قسمتی از کتابخانه الموت را از نابودی نجات دهد. او همچنین در سقوط بغداد (۱۲۵۸) توسط هلاکو او را همراهی می‌کرد و در سال بعد به عنوان فرماندار بغداد، جنوب بین‌النهرین و خوزستان منصوب شد.

عطا ملک از ادیبان و ادب دوستان زمانه‌ی خویش به شمار می‌رود. همچنان که هنر نمایی او در تاریخ جهانگشا متضمن اوج هنرنمایی و ادبیت اوست. تعابیر آمیخته به صناعات ادبی در کتاب وی حاکی از توانایی او در نویسندگی است.

جوینی صاحب دیوان مغول بود و مدت پانزده سال دبیر خاص امیر ارغون و بیست و چهار سال حاکم بغداد بود ضمن این که او چندین بار به قراقرم پایتخت مغولان سفر کرده و به خدمت خانان مغولی رسیده بود. وی در این سفرها شناخت عمیقی از زندگی، طرز تفکر و احوال مغولان به دست آورد و وقایع را با چشم خویش مشاهده کرد. از این رو آنچه در تاریخ جهانگشا آمده همه از مشهودات جوینی سرچشمه می‌گیرد و یا طبق سخن وی از افراد مورد اعتماد نقل می‌شود.

جوینی هدف خود را از تالیف کتاب، «تخلید مآثر گزیده و تایید مفاخر پسندیده پادشاه وقت» می‌داند تا «ناسخ آیات قیاصره و ماحی روایات اکاسره» شود.

البته نباید از نظر دور داشت که جوینی مدت سی و نه سال از عمر خویش را در دستگاه مغولی و در خدمت خانان مغول گذرانده است. بنابراین ذکر بیان وقایع اثر برانگیزی که بر ایران و مردمانش گذشته باید در پرده‌ای از ابهام باقی می‌ماند تا جوینی بتواند همچنان بر مسندی که آن را وام‌دار مغولان است تکیه کند. بنابراین انتقادات به متن تاریخ جهانگشا بخاطر ابهام و پیچیدگی در برخی مواقع دور از انتظار نیست.

به طور کلی، عطاملک با تالیف این اثر اگر چه به ظاهر مطابق خواست و توجه مخدومان خود عمل کرده، در حقیقت گزارشی زیرکانه از حوادث ناگوار ارائه داده که به دست قومی ستمگر بر مرز و بوم